

A survey on, mother's Knowledge Attitude and Practice about Child abuse

Habib Aghabakhshi¹- Amir Mahmood Harirchi²-Fateme Jangravi³

Abstract

Aim:the main of the present study was to recognize mother's Knowledge,Attitude and Practice(KAP),about child abuse.To obtain this purpose,the effect of demographic indices including age, academic status,employment and number of children on mother's KAP and dyadic relationship of these three indices were examined.

Method:A total sample of ۲۵۰ mothers of preschoolers were randomly selected from different districts of Tehran.On a survey research design, data was collected through interview sessions and via a KAP questioner developed by researcher.

Results:Findings revealed significant relationship between mother's KAP and their academic status.Other demographic indices including age,employment and number of children,were significantly related to knowledge and attitude, the same relationship was not found for the practice subscale.Further more we found dyadic meaningful relationship between knowledge, attitude, and practice.Above all attitude rather than knowledge was more effective on practice

Key words:child abuse,knowledge,attitude,practice .

¹- Social work department ,University of Welfare and rehabilitation

²- Social work department ,University of Welfare and rehabilitation

³- M.A In Social Work, Authored (Email: Jangravi-sw@yahoo.com)

آگاهی، نگرش و رفتار مادران نسبت به کودک آزاری

حبیب آقا بخشی^۴ - محمود حریرچی^۵ - فاطمه جنگروی^۶

چکیده:

هدف: این مقاله با هدف شناخت آگاهی، نگرش و رفتار مادران نسبت به کودک آزاری به بررسی تأثیر متغیرهای دموگرافیک سن، تحصیلات، شغل و تعداد فرزندان بر سه متغیر آگاهی، نگرش و رفتار و رابطه بین این سه مورد^۷ بر یکدیگر پرداخته است.

روش: در این مطالعه، ۲۵۰ نفر از مادران کودکان مقطع پیش دبستانی بصورت تصادفی از مهدهای مناطق مختلف شهرستان تهران شرکت داشتند. روش این پژوهش، پیمایشی بوده و جمع آوری اطلاعات از طریق مصاحبه وبا استفاده از پرسشنامه انجام شده است.

نتایج: نتایج پژوهش نشان داد تحصیلات با آگاهی، نگرش و رفتار مادران مورد مطالعه رابطه معنی داری داشته است. سایر متغیرهای دموگرافیک یعنی سن، شغل و تعداد فرزند بطور معنی داری با آگاهی و نگرش رابطه معنی دار نشان داده و با رفتار رابطه داشته ولی چنین رابطه‌ای با رفتار یافت نشده است. همچنین آگاهی، نگرش و رفتار با هم رابطه دوگانه معنی داری داشته‌اند و نگرش نسبت به آگاهی سهم تعیین کننده‌تری در رفتار کودک آزارانه مادران داشته است.

واژگان کلیدی: کودک آزاری - آگاهی - نگرش - رفتار

^۱ - عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

^۲ - عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

^۳ - کارشناس ارشد مددکاری اجتماعی (نویسنده اصلی) Email: Jangravi-sw@ Yahoo.com محل کار: صدای مشاور سازمان بهزیستی

مقدمه :

بیش از دو دهه قبل گمان می‌رفت که خانواده به سبب وجود روابط صمیمی، محبت آمیز و عواطف بهترین مکان برای رشد و شکوفایی جسمانی و عاطفی کودکان و نوجوانان است. با آنکه از وجود بدرفتاری و خشونت در خانواده آگاهی‌هایی بدست آمده بود، معمولاً گمان می‌پردند که معدودی از خانواده‌ها بخصوص آنها که مشکلات مالی دارند و از نظر فرهنگی در سطح پائینی هستند یا آنها که در شرایط بحرانی مانند طلاق و جدایی قرار دارند به بدرفتاری با اعضاء خود دست می‌زنند (۱). در حالیکه بر اساس گزارشات موجود بیش از ۷۰ درصد موارد کودک آزاری از سوی والدین و در محیط خانه صورت می‌گیرد (۲). محیطی که مسئولیت مراقبت و اطمینان دهی به کودک برای رشد و تکامل و کسب استقلال در زندگی او را بر عهده دارد.

تحقیقات نشان می‌دهد تنها حدود ۱۰ درصد والدین بدرفتار صورت‌های مشخصی از بیماری‌هایی همچون اسکیزوفرنیا، پسکوز، افسردگی یا سابقه‌ای از بیماری‌های روانی یا مغزی که نیازمند اقدامات درمانی خاص باشند را دارا می‌باشند (۳ و ۴). آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای والدین می‌تواند تسهیل کننده یا مانع در جریان رشد و تکامل کودک باشد. در واقع نگرش‌ها، رفتار را هدایت می‌کنند. مطالعات نشان داده والدینی که موافق تنبیه بدنی هستند در عمل چهار بار بیشتر از آنهایی که مخالف هستند از جبر فیزیکی استفاده می‌کنند. یک مطالعه توسط سیمون در سال ۱۹۹۳ همچنین یافت والدینی که معتقد به راهبردهای تنبیهی هستند بیشتر احتمال دارد که اقدامات تربیتی خشن بکار برند تا اینکه از شیوه‌های فرزند پروری حمایتی^۱ استفاده کنند (۵).

والدین و بزرگترهای آزار دهنده در رفتار با کودک صبر و شکیبایی بسیار کمی دارند، آنان اغلب از کودکان انتظارهای غیر منطقی و غیر واقعی داشته و در بسیاری از موارد تفسیر غلطی از رفتار کودکانشان دارند (۶). آنها رفتار کودک را که نمی‌تواند خود را با خواسته‌های والدین منطبق سازد، خودرایی و تمرد عمدی تلقی می‌کنند، گریه کودک را امتناع از دوست داشتن والد تعبیر می‌کنند. این نگرش حق به جانب و مبتنی بر تنبیه به اقدامات خشنی برای تأدیب کودک آن هم در سنی کاملاً نامناسب منجر می‌شود (۷).

مادرانی که در رفتار با کودک خود دچار مشکل هستند، اغلب آگاهی کمی در ارتباط با ویژگی‌های مراحل رشد کودک، توانایی‌های او و روشهای صحیح تربیتی کودکان دارند. بسیاری از آنان در این زمینه از والدین یا اطرافیان خود راهنمایی می‌گیرند در حالیکه بسیاری از آن توصیه‌ها که از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته برای سلامت روانی و جسمی کودک مضر هستند. بنابراین کم و کیف آگاهی‌ها و نگرش‌های والدین می‌تواند نقش تأثیر گذاری بر سوء رفتار با کودکان داشته باشد. لذا این تحقیق با هدف شناخت آگاهی، نگرش و رفتار مادران نسبت به کودک آزاری در پی این است که تصویری از وضعیت موجود ارائه دهد.

با نگاهی کوتاه به نظریه‌های مربوط به خشونت خانوادگی، می‌توان دید که تقسیم‌بندی‌های گوناگونی از نظر عوامل مؤثر بر خشونت وجود دارد. پاره‌ای از نظریه‌ها خشونت را حاصل ویژگی‌های فردی و دسته‌ای دیگر بر واقعیت‌های اجتماعی تأکید دارند. محقق نیز در این پژوهش دو دسته نظریه را مورد استفاده قرار داده است. گروه اول شامل نظریاتی می‌شوند که عمدتاً به عنوان نظریه‌های مرتبط با خشونت مطرح هستند و بیشتر علل بروز رفتار خشونت آمیز را تحلیل می‌کنند و گروه دوم نظریات نیز با توجه به موضوع تحقیق که بررسی آگاهی، نگرش و رفتار

^۱ - Supportive Parenting

نشریه مددکاری اجتماعی

میزان شیوع کودک آزاری که از طریق گزارشات تحقیق‌های خارجی و ایرانی خصوصاً آمار مربوط به شهر تهران تخمین زده

است به تبیین چگونگی تأثیر نگرش‌ها بر رفتار می‌پردازد. نظریه‌الگوی فرایندگی نگرش به رفتار^۱ برای پیش‌بینی رفتارهای فوری و نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده^۲ (مستدل) برای پیش‌بینی رفتارهای ارادی و عمدی، دو نظریه مطرح در زمینه ارتباط نگرش و رفتار هستند. محقق نیز در طراحی چهارچوب نظری پژوهش خود، با استفاده از نظریه‌های مذکور خصوصاً نظریه رفتار مستدل، مدل شماتیک ذیل را جهت تبیین بروز رفتار کودک آزارانه ترسیم کرده است (شکل شماره ۱).



شکل شماره ۱: مدل شماتیک تبدیل نگرش به رفتار کودک آزارانه

شده است. محاسبه شده است. این تعداد با استفاده از فرمول کوکرین^۳ ۲۵۰ نفر برآورد شده است.

روش نمونه‌گیری: در این تحقیق با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای، شهرستان تهران به ۵ منطقه شمال شرقی، شمال غربی، جنوب شرقی، جنوب غربی و مرکزی تقسیم بندی و از هر منطقه ۶ مهد کودک بصورت تصادفی انتخاب شد و جمعاً ۳۰ مهد کودک هدف انجام مطالعه قرار گرفت. پس از مشخص شدن مهدهای کودک هر منطقه از هر مهد ۸ یا ۹ نفر

روش

نوع مطالعه: این پژوهش از دسته مطالعه‌های اجتماعی است که با استفاده از روش پیمایشی^۱ انجام گرفته است. جامعه آماری و حجم نمونه: جامعه آماری این تحقیق مادران ساکن شهرستان تهران در سال ۱۳۸۳ هستند که حداقل دارای یک فرزند در مهد کودک باشند. حجم جمعیت نمونه با توجه به

^۱ - Attitude-to-behavior
^۲ - Theory of planned behavior
^۳ - Survey

^۱ - Cochran

فاطمه جنگروی

یافته‌های پژوهش:

سنجش آگاهی مادران نشان داد ۱۷/۶ درصد آنها دارای آگاهی کم، ۶۶/۴ درصد آگاهی متوسط و ۱۶ درصد آگاهی زیاد بودند. در مورد مطلوبیت نگرش نمونه مورد مطالعه ۱۴/۴ درصد مادران در حد کم، ۷۱/۲ درصد متوسط و ۱۴/۴ درصد زیاد بودند. سنجش رفتار نشان داد مطلوبیت رفتار ۱۴/۴ درصد آنها در حد کم ۷۲/۴ درصد در حد متوسط و ۱۳/۲ درصد در زیاد بود (جدول شماره ۱).

جدول (۱): جدول توزیع فراوانی مطلق و نسبی آگاهی.

نگرش و رفتار

طبقات متغیره	کم		متوسط		زیاد	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آگاهی	۴۴	۱۷/۶٪	۱۶۶	۶۶/۴٪	۴۰	۱۶٪
نگرش	۳۶	۱۴/۴٪	۱۷۸	۷۱/۲٪	۳۳	۱۳/۲٪
رفتار	۳۶	۱۴/۴٪	۱۸۱	۷۲/۴٪	۳۳	۱۳/۲٪
جمع	۳۵۰	۱۰۰٪	۲۵۰	۱۰۰٪	۲۵۰	۱۰۰٪

این پژوهش ۱۵ فرضیه داشت که آزمون آنها ۱۲ فرضیه را تأیید و ۳ فرضیه را رد کرد. یافته‌های این مطالعه بر این دلالت داشت که سن مادران مورد مطالعه با آگاهی و نگرش آنها رابطه معنی‌دار داشت. آزمون تفاوت میانگین آگاهی، نگرش و رفتار بر حسب انواع شغل نمونه مورد مطالعه نشان داد گروه‌های مختلف شغلی در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارای آگاهی‌های متفاوت و در سطح ۹۵ درصد اطمینان دارای نگرش متفاوتی بودند و رفتار آنها تفاوت معنی‌داری نشان نداد. همچنین نتایج تحقیق در رابطه با متغیر شغل نشان داد پائین‌ترین نمره آگاهی را مادران شاغل در حرفه‌های خدماتی، منفی‌ترین نگرش را مادران هنرمند و نامطلوب‌ترین رفتار را مادران خانه‌دار داشته‌اند. در رابطه با تعداد فرزند این تحقیق نشان داد آگاهی و نگرش مادران مورد مطالعه با تعداد فرزند آنها رابطه معنی‌دار داشته و با رفتار آنها رابطه معنی‌داری نداشته است.

از بین مادران کودکان تحت آموزش به صورت تصادفی انتخاب شد.

ابزار و روش جمع آوری اطلاعات: جمع آوری اطلاعات پژوهش از طریق مصاحبه و ابزار سنجش پرسشنامه از نوع محقق ساخته و بهتر پاسخ بود. بطور کلی سؤالات پرسشنامه دو بخش داشت قسمت اول جهت دریافت مشخصات دموگرافیک و قسمت دوم سؤالات پنج گزینه‌ای برای سنجش آگاهی، نگرش و رفتار مادران مورد مطالعه تنظیم شده بود، این بخش از سؤالات بر اساس تکنیک کیفی منظم شده بودند به شکلی که ابتدا سؤالاتی که معمولاً افراد مقاومت کمتری در مقابل آنها دارند مطرح شده بود.

روایی و اعتبار ابزار سنجش: روایی و اعتبار ابزار سنجش در تحقیق حاضر با در نظر گرفتن اهمیت روایی تحقیق سعی بر آن بوده تا معرف‌هایی برای اندازه‌گیری تعیین شود که با آنچه در تحقیقات دیگر بکار برده شده و نتایج قابل قبولی داشته، نزدیک باشد و یا با مشورت اساتید و صاحب‌نظرانی که بر روی موضوع کار کرده‌اند تعیین شده باشد. مشورت با چند تن از اساتید علوم اجتماعی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، روانپزشکی و مددکاری اجتماعی و نظر موافق آنها با محتوای پرسشنامه بر روایی آن صحت گذاشت. از طرف دیگر روایی محتوای پرسشنامه از طریق پیش آزمون بر روی ۳۰ نفر از افراد جامعه مورد مطالعه، نیز مورد بررسی قرار گرفت و در سؤالات تغییراتی داده شد. در رابطه با پایایی پرسشنامه نیز پس از اجرای پیش آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ پایایی ابزار آزمون تأیید شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: اطلاعات جمع آوری شده از طریق استفاده نرم افزار ۱۱ Spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. با استفاده از آمار توصیفی کلیه متغیرهای مستقل و همچنین آگاهی، نگرش و رفتار مادران مورد مطالعه در قالب جداول فراوانی و مطلق توصیف شد. جهت آزمون روابط بین متغیرها از روش‌های گوناگون آماری مانند ضرایب همبستگی کای اسکوتر، تحلیل آنالیز واریانس F، همبستگی گاما و رگرسیون چند متغیره استفاده شد.

نشریه مددکاری اجتماعی

زیاد متوسط تفاوت معنی داری نداشت. طبق آزمون خی دو بین آگاهی و رفتار مادران مورد مطالعه نیز با درجه آزادی ۴ و سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنی دار وجود دارد و تحلیل تعقیبی شفه نیز نشان داد با افزایش مطلوبیت آگاهی، مطلوبیت رفتار نیز افزایش یافته است.

جدول ۲- جدول بررسی رابطه بین نگرش و رفتار مادران مورد مطالعه

نگرش رفتار	کم		متوسط		زیاد		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کم	۱۴	۵۱/۶٪	۲۰	۸٪	۳	۱۸٪	۳۷	۱۴/۴٪
متوسط	۲۲	۸۱/۸٪	۱۳۶	۵۴/۴٪	۲۰	۸٪	۱۷۸	۷۱/۳٪
زیاد	۰	۰٪	۲۵	۱۰٪	۱۱	۴/۴٪	۳۶	۱۴/۴٪
جمع	۳۶	۱۴/۴٪	۱۸۱	۷۲/۴٪	۳۳	۱۳/۲٪	۲۵۰	۱۰۰٪

Sig=۰/۰۰۰۱

Gamma=۰/۶۲

$\chi^2=۳۲/۸۶$

df=۴

به منظور دست یافتن به اطلاعات تکمیلی جهت بحث در مورد یافته‌ها محقق از رگرسیون چند متغیره نیز استفاده کرده است. نتایج نشان داد این متغیرهای آگاهی و نگرش ۴۹٪ عوامل تأثیر گذار بر رفتار را تبیین می‌کنند و سهم نگرش نسبت به آگاهی بیشتر است:

$$E_1 + (آگاهی) (۰/۲۵) + (نگرش) (۰/۳۳) + مقدار ثابت = مطلوبیت رفتار$$

بحث و نتیجه گیری

شبهه این مورد به همان میزان تبدیل به رفتار نمی‌شود، می‌تواند به این علت باشد که برخی تغییراتی که در آگاهی‌ها و نگرش‌ها ایجاد می‌شود عملاً برای خانواده‌ها جهت حل تعارضات کافی نیست. گاهی آگاهی‌ها از نظر کیفی مناسب نیستند، نوع آموزش متناسب با فرهنگ جامعه نیست و روش آن همراه با تفکر و مشارکت افراد نیست. لذا، آنها جهت کنترل موقعیت از خشونت استفاده می‌کنند. برخی از مادران نیز به علت وابستگی زیاد به گروه‌های اجتماعی و خویشاوندان و پائین بودن اعتماد به نفس در راستای جلب رضایت این گروه‌ها علی‌رغم مخالفت درونی با خشونت و به این علت که از سوی جمع مادری خوانده شود که مراقب تربیت کودک خود است، با او بدرفتاری کند. گاهی نیز عدم تفاوت شرایط زندگی و روبرو بودن خانواده با فشارهای بیرونی، مانع تبدیل آگاهی‌ها و نگرش‌ها به رفتار می-

به نظر می‌رسد رفتار نسبت به آگاهی و نگرش در مقابل متغیرهای دموگرافیک مقاومت بیشتری در تغییر دارد. این تحقیق نشان داد متغیرهای سن، شغل و تعداد فرزندان با آگاهی و نگرش ارتباط معنی دار داشته ولی با رفتار ارتباط معنی داری نداشته است. تنها تحصیلات از بین متغیرهای دموگرافیک با هر سه متغیر آگاهی، نگرش و رفتار ارتباط معنی دار داشته است. رفتارها تحت تأثیر عوامل متنوعی هستند و گاهی با وجود مشخص بودن آگاهی و نگرش فرد، رفتار او متناسب با آنها نیست به عنوان مثال در این مطالعه اغلب مادران مخالف این جمله بودند که «به والدینی که بچه شیطان دارند حق می‌دهم. کودک خود را کتک بزنند» و در عمل حدود نیمی از آنها اعلام کرده‌اند کودک خود را کتک می‌زنند. اینکه چرا نگرش‌هایی

فاطمه جنگروی

تری قرار دارد. مادران مشاغل هنری ممکن است به علت اهمیت دادن به فعالیت‌های هنری خود، کودکان را عامل مخل برای پرداختن به علاقه‌مندیهای خود بدانند و نگرش منفی نسبت به کودکان داشته باشند. مادران خانه‌دار نیز چون زمان بیشتری را با فرزندان خود نسبت به سایر مادران می‌گذرانند احتمال بروز رفتار کودک آزارانه در مورد ایشان بیشتر است.

در مورد رابطه آگاهی، نگرش و رفتار مادران در زمینه کودک آزاری این مطالعه نشان داد بین این سه متغیر رابطه معنی‌داری وجود دارد. با افزایش آگاهی، مطلوبیت نگرش و رفتار نیز بیشتر می‌شود. در ارتباط با نگرش و رفتار نیز این تحقیق نشان داد زمانی که شدت نگرش بیشتر باشد احتمال بروز رفتار متناسب با آن بیشتر خواهد شد. مثلاً اگر مادری شدیداً با تنبیه بدنی مخالف باشد احتمال بیشتری دارد که از تنبیه استفاده نکند. نگرش در مقایسه با آگاهی، نقش تعیین‌کننده‌تری در بروز رفتار داشته است. به عبارت دیگر افراد بیشتر تحت تأثیر نگرش خود رفتار می‌کنند تا آگاهی‌های خود. در رابطه با این بخش از یافته‌ها اکثر تحقیقات وجود رابطه بین نگرش و رفتار را در مورد سوء رفتار با کودکان تأیید کرده‌اند (۹۰، ۱۰ و ۱۱). برخی تحقیقات نیز عکس یافته‌های فوق را نشان داده است (۱۰).

بسیاری از مادران در مفهوم کودک آزاری دچار اشکال بودند. بطوریکه بیش از نیمی از آنها اعلام کرده‌اند اصطلاح کودک آزاری شامل ضرب و جرح شدید کودک می‌شود. در نظر سنجی که فخرایی در سال ۱۳۷۷ درباره مفهوم کودک آزاری انجام داد نیز بسیاری از مردم معتقد بودند در سطح جامعه کودک آزاری به چشم نمی‌خورد. این نتایج نشان می‌دهد افراد نسبت به کودک آزاری و گستردگی آن در سطح جامعه اطلاع چندانی ندارد.

یکی از نتایج پژوهش نشان داد حدود نیمی از مادران اعلام کرده‌اند در صورت کتک خوردن از همسر، مداخله نخواهند کرد. به نظر می‌رسد وجود فرهنگ پدر سالاری در خانواده‌های ایرانی یکی از موانع مداخله مادران باشد. در برخی خانواده‌ها که زن خود قربانی خشونت است و آن را تحمل می‌کند و این تحمل

شود. وقتی فشارهای وارد بر خانواده همچنان باقی است، افراد در خانه‌های کوچک زندگی می‌کنند، درآمد کافی ندارند، حمایت اجتماعی و رفاهی وجود ندارد و میان اهداف و وسایل موجود نابرابری باشد نمی‌توان انتظار تغییر رفتار را در پی تغییر آگاهی و نگرش داشت.

این مطالعه نشان داد سطح تحصیلات مادران نقش مهمی در مطلوبیت آگاهی، نگرش و رفتار آنها داشته است. این تأثیر در رده تحصیلات دانشگاهی چشم‌گیرتر بوده است. زنان در کشور ما معمولاً با ورود به دانشگاه، پایگاه اجتماعی‌شان تغییر می‌کند. با افرادی هم‌ردیف می‌شوند که معمولاً آگاهی بالایی دارند. این افراد با فرهنگ جوامع پیشرفته بیشتر آشنا می‌شوند و به آگاهی‌هایی که از سوی متخصصین و در اثر تحقیقات تأیید می‌شوند اهمیت بیشتری می‌دهند. لذا در مقابل تغییر منعطف‌تر می‌شوند. آنها معمولاً پس از اتمام تحصیلات به دنبال شغل خواهند بود و در صورت شاغل شدن، استقلال مادی نیز خواهند داشت و روابط اجتماعی آنها بیشتر می‌شود. در حالیکه زنانی که ادامه تحصیل نمی‌دهند معمولاً از نظر استقلال مادی و روابط اجتماعی وابسته به همسر خود هستند. آنها بیشتر به آگاهی‌هایی روی می‌آورند که از طریق والدین و خویشاوندان کسب شده است. این تفاوت آگاهی، نگرش و رفتار بین زنان تحصیل کرده و زنان فاقد تحصیلات دانشگاهی در کشور ما در حالی است که با وجود جمعیت زیاد متقاضیان ورود به دانشگاه، بسیاری از آنان موفق به ورود به دانشگاه نمی‌شوند، لذا لازم است

زمینه‌هایی جهت آموزش زنانی که تحصیلات بالا ندارند فراهم کرد.

در این تحقیق پائین‌ترین سطح آگاهی را مادران با مشاغل خدماتی، نامطلوب‌ترین نگرش را مادران هنرمند و بیشترین بدرفتاری را مادران خانه‌دار داشتند. در تحلیل این نتیجه می‌توان گفت مادران با مشاغل خدماتی معمولاً از نظر سطح تحصیلی و پایگاه اجتماعی پایین‌تر از سایر گروه‌ها هستند، لذا آگاهی و دانش آنها نیز نسبت به سایر مشاغل در سطح پائین

برنامه‌های پیشگیرانه بر اساس مدل‌های مددکاری جامعه‌ای در زمینه کودک آزاری یکی از ضروریات هر جامعه است. متأسفانه در کشور ما به ندرت شاهد فعالیتهای جامعه‌ای هدفمند و برنامه ریزی شده هستیم در حالیکه برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی بدون استفاده از مددکاری جامعه‌ای گامی نمی‌توان برداشت. بنابراین محقق سعی داشته بر اساس اصول مددکاری جامعه‌ای به شرح ذیل پیشنهاداتی ارائه دهد:

تشکیل گروه‌های محلی از مادران در مراکز مشاوره، فرهنگسراها، مؤسسات غیر دولتی و ...، به منظور طراحی برنامه‌های آموزشی با هدف تغییر در عقاید و باورهایی که به سلامت کودکان صدمه می‌زنند. این برنامه می‌تواند در دو مرحله صورت گیرد، مرحله نیازسنجی و مرحله آموزش. ابتدا لازم است بدانیم مادران در زمینه تربیت کودک توانایی‌های او در هر سن، حقوق کودک و ...، چه طرز تلقی‌ها و باورهایی دارند. می‌توان با حضور یک نفر تسهیل‌گر در این گروه‌ها و تشویق گروه به بارش فکری در مورد موضوعات مطروحه در طی جلسات متمادی عقاید و نگرش‌های منفی را استخراج کرد و سپس در مرحله دوم بر اساس اطلاعات بدست آمده در مرحله نیازسنجی، کارگاه‌های آموزشی برای والدین تشکیل داد.

طراحی برنامه‌های آموزشی با موضوعات مراقبت از کودک، تغذیه مناسب کودک و تربیت کودک برای زنان باردار یا زنانی که قصد فرزند دار شدن دارند. از طریق هماهنگی با خانه‌های بهداشت که مراکز محلی بوده و با افراد منطقه ارتباط نزدیک دارند. این مراکز در دورترین روستاها نیز فعال هستند و زنان معمولاً اطلاعات مرتبط با بارداری را از طریق آنها کسب می‌کنند. لذا می‌توان رابطین بهداشت این مراکز را با تشکیل گروه‌هایی بصورت کارگاهی آموزش داد تا آنها نیز پس از گذراندن دوره‌های تنوری و عملی لازم زنان مناطق خود را آموزش دهند. آموزش مهارت‌های تربیت کودک به پدران از طریق محیط‌های کاری. بسیاری از پدران یا به دلیل درگیریهای شغلی و یا با این باور که مسئولیت اصلی تربیت کودک با مادر است، برای شرکت در گروه‌های آموزشی اقدامی نمی‌کنند. لذا می‌توان با

خشونت از سوی والدین او نیز برای جلوگیری از طلاق مورد تشویق قرار می‌گیرد، تحمل خشونت بصورت یک ارزش نمود می‌کند و مادر کودک خود را نیز به تحمل خشونت به عنوان یک ارزش ترغیب می‌کند.

اغلب مادران مورد مطالعه مخالف دخالت دولت در حریم خصوصی خانواده بودند و به نظر می‌رسد همچنان والدین خود را مالک فرزندانشان می‌دانند و نظارت دولت بر خانواده را نمی‌پذیرند. البته ممکن است به این علت که در جامعه ما تابحال برنامه‌های مشخصی از سوی بخش خدمات اجتماعی در این زمینه وجود نداشته، این دیدگاه در خانواده‌ها ایجاد شده باشد و در صورت وجود برنامه‌های مفید احتمال دارد نظر آنها در مورد دخالت دولت تغییر کند.

بر اساس نتایج بدست آمده از آگاهی مادران مورد مطالعه از قوانین کودک آزاری، بسیاری از مادران اطلاعات کمی از قوانین موجود داشته و نوعی تردید و بی‌اعتمادی در پاسخگویی سوالات این بخش از سوی آنها وجود داشت. اکثر آنها ترجیح می‌دادند گزینه نمی‌دانم را علامت بزنند. روشن نبودن قوانین برای والدین و سایر افراد جامعه می‌تواند یکی از عوامل تعیین کننده در بروز و شیوع کودک آزاری باشد. البته لازم به ذکر است برخی قوانین موجود در کشور ما نیز می‌تواند احتمال بروز کودک آزاری را افزایش دهد به عنوان مثال دادن حق تنبیه در حد متعارف به والدین بدون مشخص کردن این حد و نیز لزوم مطیع بودن فرزند در هر سنی در مقابل والدین. لذا قبل از هر چیز لازم است قوانین مورد بحث و بررسی قرار گیرد و موارد مبهم روشن و قوانین محدود کننده اصلاح شوند این امر می‌تواند از طریق درگیر کردن دستگاه قضایی، استفاده از قوانین اصلاح شده در سال ۸۱، تأکید بر کنوانسیون حقوق کودک و تلاش‌های سازمانهای غیر دولتی مورد پیگیری قرار گیرد.

پیشنهادهای:

آنچه در این قسمت به عنوان پیشنهاد ارائه می‌گردد بر اساس یافته‌های پژوهش می‌باشد. با توجه به اینکه پیشگیری از کودک آزاری یک روند است این پیشنهاد می‌تواند به عنوان بخشی از فرآیند پیشگیری از کودک آزاری مد نظر قرار گیرد. طراحی

فاطمه جنگروی

مدیران تا کمک مربی‌ها و مستخدمین. با موضوعات؛ میزان شیوع کودک آزاری، علائم و راه‌های تشخیص پیامدها و نحوه گزارش دهی و مداخله.

اصلاح قوانین مرتبط با حقوق کودک و کودک آزاری از طریق ایجاد حساسیت برای افکار عمومی با کمک انجمن‌های غیر دولتی و تأکید بر کنوانسیون حقوق کودک.

شناسایی کودکان ویژه که بنا به دلایلی مانند نارس بودن، بیش‌فعالی، کم‌توانی ذهنی، معلولیت جسمی حرکتی و ... مستعد آزار هستند و آموزش‌های لازم به آنها و خانواده‌هایشان و تحت پوشش خدمات اجتماعی قراردادن آنها از طریق مددکاری اجتماع

هماهنگی بخش رفاه ادارت، کارخانه‌ها و سایر محیط‌های کاری این امکان را فراهم کرد.

آشنا کردن کودکان و نوجوانان با حقوق خود و آموزش آنها جهت کسب آمادگی و مهارت‌های لازم در موارد مواجهه با سوء رفتار. این آموزش‌ها می‌تواند شامل مهارت‌های زندگی، تصمیم‌گیری، حل مسئله، تشخیص سوء رفتار، عکس‌العمل در مقابل درخواست‌های نامناسب و نحوه مطلع کردن دیگران از سوء رفتار باشد. لازم بذکر است نحوه آموزش کودکان و نوجوانان در سنین مختلف باید متفاوت باشد در مورد کودکان خردسال که مهارت‌های کلامی کمتری دراند می‌توان از بازی، اجرای نمایش، استفاده از عروسک، قصه خوانی و ... استفاده کرد. این برنامه می‌تواند با آموزش کارگاهی مشاوران مدارس برای کودکان و نوجوانان پیاده شود.

برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای پرسنل مهدهای کودک، مدارس و سایر مؤسساتی که با کودکان در ارتباط هستند، از



پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

Cultural Organization and Job Satisfaction
 فرهنگ سازمانی و رضایت شغلی
 LAVAD IRANIAN PATENTED HARBARBOO

منابع :

- ۱- اعزازی، شهلا . خشونت خانوادگی: زنان کتک خورده، تهران، نشر سالی، ۱۳۸۰.
- ۲- اخضری، فروغ. خشونت خانگی؛ روزنامه همشهری، سال هفتم، شماره ۱۸۹۵، ۱۴ خرداد ۱۳۷۸.
- ۳- شفیعی پور، زهرا. سهل انگاری و سوء رفتار با کودک ، تهران ، چاپ اول، انتشارات سالی، ۱۳۸۰.
- ۴- گراهام، فیلیپ. روان پزشکی کودک؛ رویکرد تحولی، مترجمان: کوروش نامداری و کریم عسگری. اصفهان، چاپ اول ، انتشارات دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۲.
- ۶- Pitzer, Ronald.(۲۰۰۱). "Parental attitudes and beliefs regarding punishment as a means of child discipline", Extension family sociologist university of Minnesota Extension family and consumer sciences, specialist research report June.
- ۷- پورناجی، بنفشه. مرگ خاموش؛ نگاهی به پدیده کودک آزاری، تهران ، چاپ اول، انتشارات همشهری، ۱۳۷۸.
- ۸- پرینگل ، میاکلهر. نیازهای کودکان دور نمای فردی، مترجمان: نیره ایجادی و جواد شافعی مقدم، تهران ، چاپ اول، انتشارات رشد، ۱۳۸۰.
- ۹- اعزازی، شهلا. جامعه شناسی خانواده، تهران، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۶.
- ۱۰- Johnson B.T. and Barnon R.A. Byrne D.(۱۹۹۸). "Exploring social psychology" (۴ thed). Allyn and Bacon. Childrens trust fund texas council (۱۹۹۵). "Public policy research institute", A and M university, Texas, Spring.
- ۱۱- Coohy, Carol.(۱۹۹۵). "Neglectful mothers, Their mothers and partners:The significance of mutvaiald", child abuse and neglect elsevier science, USA.

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی